

مدرسه و خانقاه شاهرخی در هرات

احمد علی کهزاد

بنیاد فرهنگی کهزاد

هرات یکی از شهرهای عمده افغانستان و از نظر موقعیت جغرافیائی و تاریخی یکی از شهرهای عمده آسیا بوده که از روزگاران باستان تا عصر تیموری شهرت خود را کماکان حفظ کرده بود.

این شهر بزرگ و تاریخی در حوالی 550 سال قبل با تخت نشینی شاهرخ پسر تیمور وارد مرحله نوینی در زندگانی خود شد زیرا با تخت نشینی این پادشاه منور و مقتدر مرکزیت هرات بحیث پایتخت دولت تیموری در خراسان تثبیت شد. در دوره طولانی سلطنت شاهرخ که قریب سی و هفت سال بطول انجامید، بسا عمرانات باشکوه در عرض و طول بلده فاخره هرات بمیان آمد.

در قطار آبادی های عصر شاهرخی دو بنا از نظر مفاد اجتماعی و بالا بردن سطح دانش و علم و فرهنگ اسلامی کمال اهمیت دارد که یکی بنام «مدرسه» و دیگری بنام «خانقاه» یاد شده و هر دوی آن یکی مکمل دیگری بوده و هر دو حیثیت کانون علمی داشته و یکی از مراکز تعلیم و تدریس بشمار میرفت. شاهرخ میرزا در سال 813 هجری قمری که مصادف به سال 5 یا 6 تخت نشینی او بود تصمیم به پی گذاری عمارات این دو بنای خیریه گذاشت.

موقعیت این دو کانون تعلیمی، مدرسه و خانقاه، بطرف شمال شهر قرار داشت و تا جایی که از روی برخی مأخذ، منجمله نوشته های عبدالرزاق سمرقندی در «مطلع السعدین» بر می آید، عمارات مدرسه و خانقاه متصل هم طوری قرار داده شده بود که سرای بزرگی آن دو را از هم جدا میکرد. صفه و طاق رفیع و دو منار بلند به هر دو طرف خود داشت که ایوان طلائی و لاجوردی در آنها کار شده و در تابش نور آفتاب شعشه پاشی داشت. متن عبارت مطلع السعدین چنین میگوید: "بر طرف شمال شهر تحت القلعه در جانب جنوب مدرسه عالی و خانقاهی پیوسته هم و در میان آن بقعه صحن سرائی بزرگ و صفه و طاقی رفیع و هر دو طرف دو منار بلند قامت بدیع استقامت ارتفاع یافت و از شعشه طلا و لاجورد انوار بهجت آثار بر در و دیوار آن بقعه تافت. مهندسان دقیق اندیشه و بنایان چابک عمل، نازک پیشه غایت صنعت و کمال دقت بظهور آوردند و قواعد معاهد آنرا در اعلای معارج متانت و اقصی مدارج رصانت برآوردند و درین سال یعنی سنه ثلث عشر این دو بقعه بدیع منوال بشرف اتمام و حد کمال رسید. در

عرصه زمین از سرحد روم تا اقصی چین موضعی به نزاهت و موقعی به طراوت آن دو بقعه نشان نمیدهند..."

بدین منوال از خلال کلمات صاحب مطلع السعدین واضح میشود که این دو بقعه خیریه که دو کانون معرفت و دانش محسوب میشدند در قطار مجلل ترین عمارات مشرق زمین قرار داشتند. شاهرخ میرزا نه تنها در وضع ظاهری عمارات و ابهت و جلال عمرانی آنها کوشش زیاد بخرج داده بلکه در نفس معنی واقعی آن دو بقعه متبرکه توجه شاهانه بخرج داده بود زیرا قراریکه مأخذ مینگارند تا حدی که میسر بود کتب مختلفه و معتبر علمی را از اقطار نقاط داخل و خارج کشور جمع نموده و در صندوق ها و قفسه ها در دسترس طلاب و دانشمندان و اهل مطالعه قرار داده بود به نحوی که مدرسه و خانقاه شاهرخ با داشتن کتابخانه غنی و منظم بزرگترین کانون علمی آن عصر بشمار میرفت که حیثیت یک دانشگاه امروزی را داشت.

در ین مدرسه و خانقاه اهل علمای عصر و نخبه دانشمندان وقت به تعلیم و تدریس مشغول بودند. چهار نفر از بزرگترین علمای عصر را که مطلع السعدین نام میبرد قرار آتی است:

اول: مولینا جلال الدین یوسف اوبهی

دوم: مولینا جلال الدین حلاج

سوم: مولینا نظام الدین عبدالرحیم باراحمد

چهارم: مولینا افضل العلما خواجه ناصر الدین لطف الله خواجه عزیز الله

این چهار نفر دانشمند و عالم بزرگ عصر در این مدرسه مشغول تدریس و تعلیم بودند.

خانقا در حقیقت یکنوع مدرسه شب باش بود که در آن اهل علم و طلاب و دانشمندان حجره ها داشتند و از اوقاف مدرسه امرار معاش مینمودند و ضمناً علی قدر مراتبهم افاده و استفاده میکردند. این خانقاه تحت اداره شیخی اداره میشد و منصب «شیخی» خانقاه رتبه بلند و بزرگی بود که در اوائل امر به جناب شیخ الاسلام خواجه علاء الدین علی چشتی، یکی از فحول علمای چشت تفویض شده بود و تحت اداره ایشان یک عده متصدیان دیگر از قبیل: امام و موذن و واعظ و کارکنان دیگر مؤظف بودند. خانقاه اوقاف بزرگی داشت که از پول و مدارک مالی آن معاش و مخارج متصدیان خانقاه و غیره پرداخته میشد. مؤرخ بزرگ سمرقندی عبدالرزاق که در دربار شاهرخ در هرات میزیست بعد از خواجه علاءالدین علی چشتی منصب شیخی خانقاه شاهرخیه را احراز نمود.

خلاصه مدرسه و خانقاه شاهرخ بحیث یک کانون بزرگ علمی در عصر سلطنت شاهرخ میرزا در هرات بنا یافت و مرکز اجتماع طلاب و دانشمندان آن عصر شد که از پرتو فیوضات معنوی آن جمعی از دانشمندان ثمره ها بردند و مستفید گردیدند. /29 میزان 1337/